



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در روایاتی بود که شیخ اعظم انصاری برای ولایت فقیه ذکر کرده است، همان طور که عرض شد شیخ انصاری در مکاسب ولایت فقیه را رد کرد و فرمود اثبات و قبول ولایت فقیه بسیار مشکل است "ودونه خطر القتاد" اما همین شیخ انصاری در کتاب القضاء ولایت فقیه را قبول می کند و یا مثلاً در همین جا می فرماید اگر فقیه زکات را مطالبه کرد واجب نیست که به او داده شود اما در بحث زکات می فرماید باید به فقیه داده شود چون او می داند که زکات در چه راهی باید مصرف شود.

بعضی ها خیلی سعی کرده اند تا ثابت کنند شیخ انصاری قائل به ولایت فقیه بوده چون از طرفی شاگرد ملا احمد نراقی بوده و نمی شود استاد با آن عظمت قائل به ولایت فقیه باشد و شاگردش یعنی شیخ انصاری با آن ارادتی که به استادش داشته قائل به ولایت فقیه نباشد، از طرفی بزرگان از شاگردان شیخ انصاری نیز قائل به ولایت فقیه بوده اند مثل حاج ملا علی کنی که از فقهاء بسیار بزرگ زمان ناصرالدین شاه بوده و کتاب بسیار خوبی در باب قضاء نیز دارد و خودش نیز منصب قضاوت داشته، یکی از قراردادهایی که ناصرالدین شاه منعقد کرد قرارداد ننگین روئتر بود که با دولت انگلستان منعقد کرد و بواسطه آن انگلستان حق داشت تا ۷۰ سال از معادن زیر زمینی ایران استفاده کند، وقتی خبر به حاج ملا علی کنی رسید به ناصرالدین شاه گفت شما کار خلافی کرده اید و ما نخواهیم گذاشت چنین اتفاقی بیافتد و همین طور

هم شد یعنی حاج ملا علی کنی بواسطه ولایت و قدرتی که داشت مقاومت کرد تا قرارداد ننگین روئتر لغو شد، این نمونه ای از ولایت فقیه در شاگردان شیخ انصاری بود و همچنین میرزای شیرازی که از شاگردان شیخ بوده نیز بواسطه ولایت و قدرتی که داشته با پادشاهان و مفاسد آنها مبارزه می کرده و در زمان ما نیز امام رضوان الله علیه با تشکیل حکومت اسلامی ولایت فقیه را عملاً به همگان نشان دادند، البته انقلاب اسلامی امام در ایران جهانی شد فلذا در کتاب "ثورة الفقیه و دولته" ۵۰ نفر از شخصیت های سیاسی و علمی و فرهنگی جهان درباره انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام رضوان الله علیه اظهار نظر کرده اند و کار امام را مورد بررسی قرار داده اند، مثلاً در صفحه ۴۹۷ از همین کتاب یکی از آنها می نویسد؛ هنگامی که توفان ظلم و استبداد و استکبار برای مستضعفان جهان بوجود آمده بود یک نفر تنها در مقابل توفان ظلم ها قیام کرد و از زندان و تبعید و حتی از دست دادن فرزند خود هرگز نخراسید و عجب اینکه او یک سیاست مدار حرفه ای و یک فرمانده نظامی نبود بلکه پیری مردی بود که توانست با کلمات و جملاتش همچون نفخه ی صور در روح و جان مردم بدمد و آنها را هدایت کند و برجسته ترین خصوصیتش این بود عالم دین و مرجع تقلید بود.

خوب و اما یکی دیگر از أدله ای که شیخ انصاری ذکر کرده توقیع مبارک می باشد که از حضرت صاحب الامر علیه الصلاة والسلام نقل شده است، خبر این است: ﴿وفي كتاب (إكمال الدين وإتمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴ باب ۴۵) عن محمد بن محمد بن عصام عن محمد بن يعقوب، عن إسحاق بن يعقوب قال: سألت محمد بن

اشتهر بین اصحابک می شود و این خبر نیز تقریباً همین طور است چراکه در کتب شیخ و صدوق و طبرسی و دیگران وجود دارد و صاحب جواهر نیز با تعظیم به این خبر نگاه می کند بنابراین از نظر سند نمی توان به این خبر خدشه کرد.

خوب و اما از نظر دلالت بر دو فقره از این حدیث برای اثبات ولایت فقیه استدلال شده:  
اولاً: فأما الحوادث الواقعة.  
ثانیاً: هم حجتی علیکم و أنا حجة الله.

عده ای بر دلالت این حدیث بر ولایت فقیه خدشه کرده اند که ما فقط کلام آیت الله خوئی را می خوانیم، ایشان در مصباح الفقاهة جلد ۳ صفحه ۲۹۲ فرموده: «وكذلك لا دلالة في قوله عجل الله تعالى فرجه هم حجتی علیکم وانا حجة الله، إذ الظاهر من الحجية هي الحجية في الاحكام، واما الولاية في التصرف فلا معنى للحجية في ذلك، فلا ملازمة بين الحجية والولاية بوجه».  
خوب واما حضرت امام رضوان الله علیه در کتاب البیع چند صفحه در مورد دلالت این حدیث بر ولایت فقیه بحث می کند و آخر الامر اثبات می کند که حدیث مذکور بر ولایت فقیه دلالت دارد که نقل کلام ایشان بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

عثمان العمري (دومین نائب) أن یوصل لی کتاباً قد سألت فيه عن مسائل أشكلت علیّ، فورد التوقيع بخط مولانا صاحب الزمان علیه السلام: أما ما سألت عنه أرشدك الله وثبتك إلى أن قال: وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله، وأما محمد بن عثمان العمري فرضي الله عنه وعن أبيه من قبل، فإنه ثقتي وكتابه كتابي. ورواه الشيخ في كتاب (الغيبة، باب توقيعات، حديث ۴) عن جماعة، عن جعفر بن محمد بن قولويه وأبي غالب الزراري وغيرهما، كلهم عن محمد بن يعقوب. ورواه الطبرسي في (الاحتجاج، ج، ص ۲۸۳) مثله<sup>۱</sup>.

سند حدیث: برخی در سند حدیث تردید کرده اند، محمد بن محمد بن عصام از اساتید شیخ صدوق است و شیخ هم در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام و هم در کتاب توحید و هم در من لا یحضره الفقیه از او روایت نقل می کند مترضیاً عنه یعنی درحالی که در حق او رضی الله عنه می گوید و از او تمجید می کند که همین دلیل بر این است که مورد وثوق بوده، محمد بن یعقوب نیز مورد وثوق است و اما در مورد إسحاق بن یعقوب باید عرض کنیم که برخی گفته اند او را نمی شناسیم منتهی شیخ تستری در کتاب قاموس الرجال نوشته که این برادر محمد بن یعقوب کلینی است و مقام بالائی دارد بنابراین نمی توانیم از نظر سند به حدیث اشکال کنیم.

ما سه جور شهرت داریم؛ شهرت فتوائیه که دلیلی بر حجیت آن نداریم، شهرت عملیه که طبق عقیده ی ما جابر ضعف سند خبر می باشد و شهرت رواییه که یعنی خبری در کتب و جوامع و اصول روایان و فقهاء وجود داشته باشد که در این صورت مشمول: خذ بما

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ص ۱۰۱، ابواب صفاة القاضي، باب ۱۱،

حدیث ۹، ط الاسلامیه.